

هشدار کارشناسان نسبت به ادامه سیاست‌های پولی و بانکی دولت

در دوران پیش بحران ارزی قرار داریم

صفحه ۳

دوشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۶ ■ ۸ شوال ۱۴۳۸ ■ ۳ جولای ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۱۹۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۱۷۸ سال و ۲۰۷ روز گذشت

پس از ۲ سال انفعال مسؤولان دولتی صورت گرفت

تجمع خانواده شهدای منا مقابل سازمان حج

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2196 ■ Mon.Jul.03, 2017 ■ ISSN:2008-2886

یادداشت امروز

تفنگ خالی در دستان مجلس

■ محمدعلی مسعودی

دبیروز در مجلس شورای اسلامی طرح دوفوقرستی مقابله با تحریم‌های جدید آمریکا منتشر شد. این طرح که با کار کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده، در واکنشش به تصویب طرح تحریمی جدید در سنای آمریکا با عنوان «مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌ساز ایران» است. این طرح ۲۳ ماده دارد و در آن تکالیف مختلفی برای دستگاه‌های اجرایی کشور مشخص شده است. این طرح را می‌توان هم از نظر متن و هم از نظر فرامتن مورد بحث و بررسی قرار داد.

در سطح فرامتنی نکته مهم پاسخ به این سوال است که چرا مجلس شورای اسلامی به‌رغم وجود قانونی که تکلیف دولت را در زمان نقض برجام از سوی طرف‌های توافق، مشخص کرده است، اقدام به تهیه و تصویب طرحی جدید کرده است؟ همانطور که می‌دانید در زمان بررسی برجام در ایران، پس از آنکه ۳ ماه مجلس از طریق کمیسیون ویژه برجام درگیر بررسی متن برجام و آثار آن بود، در نهایت طرحی از سوی کمیسیون امنیت ملی ارائه شد و در عرض ۲۰ دقیقه در مجلس به تصویب رسید و حتی طرح پیشنهادی کمیسیون ویژه برجام مطرح نشد. آن طرح که بعد از تصویب با نام «قانون اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام» شناخته شد، در درون خود شرایطی را پیش‌بینی می‌کرد که طرف‌های برجام از اجرای تعهدات خود شانه خالی کنند.

به طور مشخص در بند ۳ این قانون آمده است: «دولت موظف است هرگونه عدم پایبندی طرف مقابل در زمینه لغو مؤثر تحریم‌ها یا بازگرداندن تحریم‌های لغو شده یا وضع تحریم تحت هر عنوان دیگر را به دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد به طوری که ظرف مدت ۲ سال ظرفیت غنی‌سازی کشور به ۱۹۰ هزار سو افزایش یابد».

لذا بر اساس قانون مصوب ۱۳۹۴ در شرایطی که برجام از سوی آمریکا نقض شده باشد یا تحریم‌ها انطور که باید بر داشته نشده باشد یا به بهانه جدید تحریم وضع شده باشد دولت باید ۲ کار مهم انجام دهد که در قانون تعیین شده است. در شرایط کنونی که البته بار اول هم نیست، آمریکا با تصویب تحریم‌های جدید در حال از بین بردن نتایج حاقلی برجام است. پس طبق این قانون دولت موظف است ۲ اقدام مشخص شده را اجرا کند.

اقدام مجلس برای تهیه و تصویب طرح جدید به معنای نادیده گرفتن قانون قبلی است. قانونی که البته هرگز توسط دولت انجام نشد غیر از ارائه گزارش‌های ۳ ماه یک بار وزارت امور خارجه به مجلس است که آن نیز هیچ وقت محل توجه و بررسی نشد.

پایامی که این اقدام به بیرون مخابره می‌کند این است که مجلس شورای اسلامی نیز همانند دولت ایران تمایلی برای برهم زدن برجام ندارد، حتی در زمانی که محرز و مشخص است آمریکا در حال بی‌خاصیت کردن برجام و تعرض به روح و جسم برجام است. به عبارت دیگر مجلس به‌هم‌نظرگرن خارجی این پیام را می‌دهد که دلستگی مجلس (در یک لایه نظام) به برجام آتقدر بالاست که حتی حاضر نیست اجرای قانون قبلی را مطالبه و از ابزارهای قانونی خود برای وادار کردن دولت به اجرای قانون استفاده کند. برای همین حاضر است قانونی جدید تهیه کند تا پاسخی به افکار عمومی داخل بدهد.

اما در سسطح متنی باید گفت طرح تهیه شده فاقد خاصیت اثرگذاری است. عبارت گویا برای این قانون تفنگ خالی است. به عبارت دیگر این قانون که به منظور مقابله با اقدامات خصمانه س‌ای آمریکا تهیه شده است، اثری بر این موضوع نخواهد داشت.

در ۲ بخش اصلی این قانون (یعنی بخش پنجم و ششم) نقض حقوق بشر توسط آمریکا و مجازات آن و بخش نهم مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا بند موثری که دارای آثار عینی در صحنه واقعی باشند، وجود ندارد (از محتوای بخش هفتم اطلاعی در دست نیست).

با مطالعه بخش پنجم و ششم قانون این تلقی ایجاد می‌شود که تهیه‌کنندگان این طرح از قانون تحریمی آمریکا الگوبرداری کرده و تنها طرف‌های مسؤول و هدف را تغییر داده‌اند.

ادامه در صفحه ۵



ایمان‌گزاران در مراسم

امروز، روز موصل؛ فردا، روز وصل

■ حسین قدیانی

البته به سبب رنگ‌باختن آن نقشه، نقشه‌های جدید کشیدند! الغرض! سالیانی است همه آنها که می‌خواستند «خلف صالح خمینی» را حتی‌المقدور بایکوت کنند، اینک لحظه‌ای نیست الا آنکه سخن از حاج‌قاسمی بگویند که از شمار سرداران سپاه حضرت آقااست! و این است «دست قدرت خدا»! خدا اگر اراده کرده باشد، ایران و عراق مشغول ۸ سال جنگ با هم را اینگونه «برادر» می‌کنند! پس من ایرانی از آزادی موصل ابراز شادی می‌کنم و جوان عراقی از وجود ذی‌وجود قاسم سلیمانی! و هر دو هم به کوری چشم آمریکا و آمریکاپرستان! بر این باورم که تا ظهور ان‌شاءالله هر چه زودتر «مهدی فاطمه» ملل دنیا همین راه را می‌روند! و دقیقا همین‌طور، مرزها را وامی‌نهند و رنگ‌ها و نژادها و مذاهب مختلف را هرگز دلیل بر جدایی تفسیر نمی‌کنند! اگر به یمن آن «روزگار نو» قرار است عدالت در همه جای جهان برقرار شود، اینک که ان‌شاءالله در آستانه آن واقعه عظیم به سرمی‌بریم، باید در همه جای جهان، ایوب‌کرغندای‌ها منفور باشند و قاسم سلیمانی‌ها محبوب! خدایا! حالا که همین‌گونه هم شده و همین‌گونه هم هست، کاش تمام کنی بسطاط غیبت را! ما آزادی موصل را هم، حکایت فتح خرمشهر و حلب، کار تو می‌دانیم! همانطور که آزادی از این روزگار غیبت نیز کار تو و به امر و اراده تو است! ما چندی است به مرزهایی که دشمنان دین تو، برای ما کشیده‌اند، اندک توجهی نمی‌کنیم! خدایا! توجه ما، به دست یاری تو و آن نقش و نگار زیبای ظهور است که یقین داریم و ایمان داریم برای آدمیزاد خواهی کشید! و فتح اصل کاری، آن روز است! امروز، روز موصل و آن روز، روز وصل!

نه بحث شیعه و سنی مطرح است و نه ملیت‌های جداگانه! انسان، انسان است! اگر حادثه تروریستی در پاریس و منچستر محکوم است، در کابل و اسلام‌آباد هم محکوم است! پس تنها به «سازمان ملل» نگاه نکنید! «ملل» را هم ببینید که علی‌رغم میل پروپاگاندای حاکم بر دنیا، چگونه «سازمان» می‌گذارند و با وجود سوری نبودن، از فتح حلب شادمان شوند و با وجود عراقی نبودن، از رهایی موصل! به‌حیث شناسنامه «قاسم سلیمانی» ایرانی است و به‌حیث مذهب «شیعه» اما محبوبیت سردار سپاه قدس ما مگر خلاصه و محدود به این حرف‌ها می‌شود؟! آری! «جهانی شدن» اتفاق افتاده اما دقیقا بر خلاف میل استکبار! چند سال پیش را یادمان نرفته که آمریکا با «نترال پترائوس» به عراق آمد اما این روزها، هر چقدر فرمانده یانکی‌ها گم و گور است، «نترال سلیمانی» در قلب ملل آزاده جا دارد! حالا ۳۵ سال بعد از فتح خرمشهر، فرمانده ۸ سال دفاع مقدس ما را، عراقی‌ها همانقدر دوست دارند که ایرانی‌ها! و سنی‌ها همانقدر که شیعیان! و دیگر ادیان همانقدر که مسلمانان! بگذار این طرفه حکایت را همین جا بگویم: از آن روز نیمه خرداد که «سیدعلی خامنه‌ای» جانشین خمینی شد، تمام سعی و اهتمام رسانه‌های دنیا بر این استوار شد که ایشان را به قول معروف «بایکوت» کنند! و حتی‌المقدور نبینند! شاید تا «تیر ۷۸» ما مقطع مربوط به «قانون داماتو» عمده نقشه‌شان در قبال «ولی امر مسلمین جهان» دقیقا همین بود! بعدها

سوم: سال‌ها بعد از جنگ و سال‌ها بعد از آن سفر، بگذار اعتراف کنم که دیگر هیچ بغضی نسبت به همسایه غربی و مردمان خوب و عزیزش ندارم! آنچه در سالیان اخیر از قوم و آشنا و در و همسایه شنیدم که عراقی‌ها در مسیر زیارت اربعین، چگونه پای خسته از راه زوار حسین بن علی را در آب می‌گذارند و ماساژ می‌دهند و با چه اصراری دعوت می‌کنند به خانه‌شان و با چه اشتیاقی پذیرایی، از آن همه کدورت و کینه، رسماً مهربانی و عشق ساخت!

چهارم: دبیروز که حلب آزاد شد، فقط سوری‌ها ابراز خوشحالی نکردند و امروز که موصل، فقط عراقی‌ها اظهار شادی نکردند! هر مسلمان فیهمی بلکه می‌خواهم بگویم هر انسان آزاده‌ای، با شنیدن اخباری از این دست، مسرور می‌شود! اساسا پاک‌سازی هر جایی، از حضور هر تروریستی، جای درازشان با حاج‌مهدی اربابی که مربی و فی‌الواقع معلم ما بود، با ما آمده بودند. این سفر، مال زمانی است که من به سبب آسیب‌دیدگی‌های قبلی، فوتبال حرفه‌ای را گذاشته بودم کنار و «کوثر شمیران» هم راستش یک تیم محلی بود بیشتر تا تیمی حرفه‌ای! در آن سفر اما از بغض نسبت به عراق و عراقی‌ها کم شد، بخصوص در «کرپلا» وقتی رفتیم محله‌ای فقیرنشین در جوار بین‌الحرمین و دیدم که با چه حرارتی از کاروان ما استقبال می‌کنند! با این تاکید که اگر رفتیم مشهد، به امام رضا سلام برسانیم!

یکم: بچه که بودم، هر وقت

فوتبال ایران و عراق می‌شد، جووری متعصبانه بازی را نگاه می‌کردم، کانه مسابقه تمام حق است با تمام باطل! ما آن روزها از این تلویزیون‌های مربعی «پارس» داشتیم که حاشیه‌هایش زرد بودا و برای کم و زیاد کردن صدا یا رنگ، باید بلند می‌شدیم می‌رفتیم دم «جعبه جادو» و بپچی را می‌پیچانیدیم! یک بار که ایران با یک گل از عراق عقب افتاده بود، آنقدر ناراحت بودم گویی خبر اشغال خرمشهر توسط بعثی‌ها را دارم نگاه می‌کنم! واقعا از عراق و عراقی‌ها بدم می‌آمد! وقتی تلویزیون، بازیکنان عراق را از نزدیک نشان می‌داد، جووری با بغض نگاه‌شان می‌کردم که انگار همه آنها پسران صدام هستند! و اقلا سربازان ارتش بعث!

دوم: آخرین سال‌های دولتمردی صدام بود در عراق که در معیت تیم فوتبال کوثر شمیران رفتیم کشور همسایه، به نیت زیارت و اگر هم دست داد چند تایی بازی دوستانه! فرشاد پیوس، محمد طاهری و علی کاوه هم به واسطه رفاقت دور و درازشان با حاج‌مهدی اربابی که مربی و فی‌الواقع معلم ما بود، با ما آمده بودند. این سفر، مال زمانی است که من به سبب آسیب‌دیدگی‌های قبلی، فوتبال حرفه‌ای را گذاشته بودم کنار و «کوثر شمیران» هم راستش یک تیم محلی بود بیشتر تا تیمی حرفه‌ای! در آن سفر اما از بغض نسبت به عراق و عراقی‌ها کم شد، بخصوص در «کرپلا» وقتی رفتیم محله‌ای فقیرنشین در جوار بین‌الحرمین و دیدم که با چه حرارتی از کاروان ما استقبال می‌کنند! با این تاکید که اگر رفتیم مشهد، به امام رضا سلام برسانیم!

نگاه‌امروز

در کوچه آفتاب

یادی از شهید علی قمی در سالگرد شهادتش

قمی در قاف

■ حسین قربایی



از ۸ سالگی که در پیشوا ساکن شدیم، معلم‌ها و اهل فرهنگ ۲ اتفاق سرخ را همیشه برای‌مان مثال می‌زدند که مردم و بویژه جوانان پیشوا در آن سهیم بودند؛ یکی ۱۵ خرداد ۴۲ و دیگری حماسه ۸ سال دفاع مقدس. برای این دو اتفاق تا اکنون هم کار هنری خاصی رقم نخورده است! درباره ۱۵ خرداد ۴۲، اطلاعات عمیقی در دست نبود، در تاریخ دبیرستان یک سطر یافت می‌شد؛ قیام مردم پیشوا و ورامین که ضد رژیم پهلوی به پا خاستند و سریل باقرا‌باد به شهادت رسیدند؛ همین و تمام! تک و توک هم درباره برخی شهدای دفاع مقدس از مردم می‌شنیدیم؛ من جمله از «شهید علی قمی کردی».

زندگی و سلوک این «سبز سرخ» به همراه عکس خندانش توجهم را جلب کرد. ۴-۵ سال دنبال خاطراتش بودم. بیشتر دوستان و هم‌زمانش را در مشهد و همدان یافتم. خاطرات یکی یکی از یکی حماسی‌تر و شنیدنی‌تر است؛ مواجهه او با کومله و دموکرات در کردستان مواجهه‌هایی زیبا و حماسی است. یک خاطره معطر از درگیری او با این جماعت را از «علی صالحی» از دوستانش بشنوید: «در عملیاتی که ضدانقلاب را متلاشی کردیم، یکی از پس‌مانده‌های‌شان می‌خواست فرار کند. یک مرتبه پرید روی قاطر و سریع به سمت کوه تاخت. در همان حال حرکت هم با پرنوپی تمام به سمت رزمنده‌های تیراندازی می‌کرد. صدای کاوه را شنیدم که می‌گفت: «چه‌ها الان قمی شکارش می‌کند.» جوان کوتاقدی پرید روی قاطر دیگری و به موازات قاطری که ضدانقلاب بر آن سوار بود، تاخت. روی قاطر نشانه گرفت و ضد انقلاب را در حال فرار از پا درآورد. عجیب بود؛ من تا آن موقع قمی را نمی‌شناختم.» (کوچ لیخنه، ص ۵۵)

نبروی جاذبه شهید قمی در ارتباط‌گیری با رزمندگان و بسیجی‌ها فوق‌العاده بود، حتی در جذب کومله و دموکرات به سمت انقلاب هم می‌کوشید.

ادامه در صفحه ۵